

لا اری الموت الاسعاده

چکامه‌ای شور انگیز . در باره قیامی
 بزرگ ؛ از سراینده‌ای پر احساس . در
 تفسیر گفتاری از امام حسین (ع)

اندر آنجا که ظالم بستی
 اندر آنجا که مظلوم را تاب فریاد
 بر سر خلق می‌تازد آزاد

دستی ز دستان ناتوان است

هرکس بالاترین افتخار است

خاست باید دلیرانه بر پا
 باشند غرق خون با شرافت
 کرد باید قیامی شردا
 یا رسیدن بفتحی هویدا

راه آزاد مردان جز این نیست

نیست آزاده ؛ هر کس چنین نیست

این امام مرام حسین است
 و پاکه آندگی ، پشهادت
 روح و رمز قیام حسین است
 گاه علوم انسانی و مطالعات حاصلی از کلام حسین است

شبی که او هم را اینستاگرام فیروز است

تا آمد از دیونی به دور است

زبان شهید سرال دست داده
 جاودان آید این بانگ پرشور
 زان فداکار درخون فتاده
 و لا اری الموت الاسعاده

آری آزاد مردان بکشند

بر شمشیر چو طوفان بجوشند

چون برید از هوس کامور شد
دولت باطلش مستقر شد
کلر اسلام از او شد پریشان
آدمیت دچار خطر شد
سوی طغیان او دین ز جا برید
تسا لب پر تگاه فضا برید

دید فرزند زهرا که اینجا
نیست جای سکوت و تملنا
نهفتی کرد خونین و پرشور
آتشین محشری کرد بر پا
گریه را ز نهفت تکلیف داد
بنا از نو . . . باسلام جان داد

ریخت آن روز خونش زرگها
قطره قطره به امان سحرها
لیک شکست سالی کز آن خون
قطره ششمول و ششمول ادبها
هر نفس جوشش او فروز شد
کاخ بیداد از او و از گون شد

ریخت آنجا در آن دشت شبنامک
خوش آردام و شلموش، برخاک
لیک سالی نشد طی کر آن خون
خاست فر باد و غوغا بر افلاک
هر زمان این صدا بیشتر شد
جان ظالم از آن پیر شکر شد

نیست آن خون کنون باز خاموش
تا بماند ستمکاره رسوا
جاودان عین زنده ضجه و جوش
که نماد ستمکش فراموش

این صدا تا قیامت بلند است
جان ظالم از آن آذر گرفته است

شود عالم ز نام حسین است
هر کجا نهفتی حق پسند است
کاظم علم انسانی و مطالع است
ریشه اش از قیام حسین است
او به خون این سخن کرد آرسیم :

« پیش ظالم نگر دیدت تسلیم »

حی و باطل جو جویند بیگانه
کف چه تاب آورد پیش دریا ۱۹
فتح با حق بود آخر گزار
بنا مسکین چه سازد بیکهسار ۱۱

نور مغلوب ظلمت که دیده ؟
شب گریزد جو خمیزد سپیده